



## شهرسازی از انقلاب جا ماند!

یادداشت

محمد هادی عرفان عضو مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد

احساس فقر است. قناعت کم‌رنگ شده است و جای آن را چشم و هم‌چشمی گرفته، این است که همان حاشیه‌نشین هم حتی اگر صورتش را با سیلی سرخ نگه دارد، می‌خواهد همچون متن زیست کند و البته بیشتر وانمود کند که متن است!

### ◆ عقب‌نماندن حاشیه از متن شهر در تفاخر و تجمل

دوستی دارم که به حسب لطف یکی از کارگزارانش به یکی از عروسی‌های همان بافت حاشیه دعوت شده بود و با تعجب از این عروسی حرف می‌زد. فارغ از رسوم محلی و روستایی که جالب و قشنگ هستند، مخاطب این جشن و آمارش برای من در خاطره مانده است. مدعین شبکه نان خشکی‌های مشهد بودند! بیش از ۷۵۰ نفر میهمان غذایی در خور و حتی اندکی با تفاخر در این مراسم داشتند.

حاشیه تلاش دارد نشان دهد که دوست دارد از متن عقب‌نماند و متأسفانه باور داشتن به اصالت مالی متن شهر و تعمیم آن به حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی و... توسط مدیران شهری و تأثیر آن بر دیالوگ با بافت حاشیه انکارناپذیر است و ربطی به این جناح و آن جناح ندارد.

### ◆ درس تمدن اسلامی؛ تنظیم درست رابطه شهر و روستا

گفتن از شهر اسلامی به مثابه آرمان‌شهر دینی، ممکن است به مذاق بعضی آرمان و رؤیا تصور شود، پس بگذار از تاریخ و دیروز بگویم. یادمان باشد، شهرهای تمدن اسلامی در هزار سال قبل، سیستم روشنائی معابر و سیستم جمع‌آوری زباله داشته‌اند و البته در تجربه‌ای بسیار آموختنی، می‌گذارند محلات مرز شهر، بمیرند، پا بگیرند و حتی مجدداً تبدیل به مزرعه شوند. علاقه‌مندان را به مرور تاریخ شهرهایی مانند بغداد ار جاغ می‌دهم و یا به تجربه آموزنده نیشابور یک میلیون نفری در قرن هشتم و نهم.

درس مهم شهرسازی و مدیریت شهری تمدن مسلمانان به ما می‌آموزد که پیش‌شرط مهار حاشیه، تنظیم درست رابطه بین شهر و روستا است. امری که امروزه به فلش یکسویه روستا به شهر مبدل شده است. به عنوان مثال، بردن برق به خانه روستایی به جای چاه کشاورزی روستایی نیز نشان از تداوم همان نگاه شهری به روستاست.

لذا نیاز به انقلابی در نگرش نسبت بین روستا و شهر ضروری می‌نماید. در غیر این صورت لشکر برنامه‌ریزان شهری باید هماره چندین گام از رشد مهار نشده حاشیه‌های شهری عقب باشند.

### ◆ تأسیس زمین شهری و تشدید حاشیه‌نشینی بعد از انقلاب



تنش‌های سیاسی اواخر دهه ۵۰، عملاً با حمایت قشر متوسط شهری مبدل به انقلاب بزرگ سال ۵۷ شد. رؤیایی شهر و روستا که در رسانه‌های رژیم پهلوی به ذهن‌ها القا شده بود، بعد از پیروزی انقلاب به جهش نرخ مهاجرت به شهرها افزود. هجوم روستاییان به مجاورت شهرها به رشد افقی شهرها دامن زد و تلاش نظام نوپا به سامان دادن این موج فزاینده با تأسیس سازمان زمین شهری هم موجب تشدید حاشیه‌نشینی شهرها و گسترش شدید مساحت شهرها شد. عدالت که یکی از شعارهای اصلی انقلاب بود در حوزه‌هایی مانند اقتصاد و سیاست ترجمه‌هایی یافت اما در حوزه شهرسازی، انقلاب حاشیه علیه متن به خوبی دریافت نشد یا از سوی جامعه مدیران مؤثر شهری شنیده نشد، با وجود تشدید مهاجرت‌ها، مدیریت شهر سکوتی چندساله پیشه کرد.

### ◆ مقاومت متن برای رساندن امکانات به حاشیه

حاشیه‌های کوچک در کمتر از سی سال به مجموعه‌های بزرگ و شلوغی تبدیل شدند. حومه‌ای مانند اسلام‌شهر در تهران امروزه خود یک کلان‌شهر ۷۵۰ هزار نفری است و امروز حاشیه شهر مشهد بیش از کل جمعیت زاهدان، سکونت مردم را پذیرفته و تقریباً از هر سه نفر مشهدی یک نفر حاشیه‌نشین است. رکورد تلخ مشهد در حاشیه‌نشینی، نشان از مقاومت متن برای رساندن امکانات به حاشیه دارد، همین مقاومت متن علیه حاشیه، اتفاقاً به جذابیت متن افزوده و سودای متن، هنوز هم حداقل در هر سال ۵۰/۰۰۰ نفر تازه‌وارد را پای سفره ۱ میلیون نفری حاشیه‌نشینان مشهد می‌نشاند.

نسبت بین متن و حاشیه حتی دغدغه بالاترین مقامات نظام اسلامی نیز شده است و بسی جای تأمل است که در شهری که میزبان بیش از نصف صنعت هتلداری و تقریباً همه صنعت اقتصاد زیارت است و در شهری که قطب صنعت غذا، صنعت بسته‌بندی و صنایع کانی غیرفلزی است، هنوز هم حاشیه‌نشینی‌های فقیرانه وجود دارد.

### ◆ احساس فقر!

حتی حضور قریب به سیصد خیریه در این شهر بزرگ نتوانسته سد بلندی برای تداوم توسعه حاشیه باشد. صندوق‌های رنگ‌ووارنگ با انواع اسامی مذهبی نشان از احساس فقر در مردم دارد و رواج وام گرفتن، مرهم موقتی برای این